

تحلیل محتوای کیفی بازنمایی ناسزاگویی در سریال‌های نمایش خانگی ایران

یوسف حبیبی

استادیار، مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Youssef Habibi

Assistant Professor, Counseling, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

چکیده

هدف: جهان امروز به عرصه قدرت‌نمایی رسانه‌ها، بویژه فیلم‌ها و سریال‌های متنوع نمایش خانگی تبدیل شده است؛ آثاری که به واسطه گسترش و محبوبیت پلتفرم‌های آنلاین، به سادگی در دسترس همگان قرار گرفته و آگاهانه به معناسازی و تأثیرگذاری عمیق و همه جانبه در سطوح فردی و اجتماعی منجر شده‌اند. در این راستا پژوهش حاضر قصد دارد به تحلیل کیفی محتوای سریال‌های نمایش خانگی در باب چگونگی بازنمایی ناسزاگویی بپردازد.

روش: در این مطالعه به سیاقی کیفی و هدفمند، تعداد هفت سریال پرتعداد در سکوی نمایش خانگی در ایران از سال ۹۸ تا ۴۰۴ انتخاب و تحلیل شدند.

یافته‌ها: فرایند تحقیق به شناسایی و استخراج ۱۵ مضمون فرعی (از جمله تهدید فحوائی به خشونت، تکریم تناقضی خانواده، کلام‌آرایی کراهت‌محور و ..)، ۶ مقوله اصلی (هم‌چون بازیچه شدن ریشه خانواده، پست‌اندیشی در هویت‌نگری، هرزگویی با چاشنی طنز و ..) و ۴ محور بازنمایی ناسزاگویی با عناوین زمینه اجتماعی (فردی / بین فردی)، بستر خانواده (روابط / جایگاه)، بافت روایتی فرهنگی (کلامی / کنایی) و ماهیت ناسزا (طنز / تخریب / تنش) انجامید.

نتیجه‌گیری: واقعیت این است که تصویرپردازی و دیالوگ‌نویسی با محوریت ناسزاگویی، یکی از علّت‌های جذب مخاطب بوده و در نتیجه استفاده از این نوع ادبیات به دنیای فیلم و رسانه محدود نمانده و می‌تواند در بستر اجتماعی و بافت زندگی واقعی نیز بازنمایی شود. توجه چندبعدی در قاب محتوا و تصویر به این موضوع، می‌تواند به پیشگیری از سرایت ناسزاپراکنی رسانه‌ای منتهی شود.

واژه‌های کلیدی: تحلیل کیفی، سریال نمایش خانگی، ناسزاگویی، انتقال معنا، بازنمایی

Background and Objectives

Home show series in Iran have played a clear role in the representation of language and social behaviors, which have attracted various tastes due to their diverse content and user-friendly structure. They can influence the attitudes, norms, and communication patterns of the audience through their visual appeal and combination with trendy dialogues. One of these examples is the use of swear words and vulgar words in dialogues. Words that most often express happy or negative feelings and emotions that provide the basis for permanence and use in real interactions in society. Reflections that ultimately find their way from the media's theatrical context to the linguistic and social sphere and lead to meaning-making that is inconsistent with constructive interactions. Therefore, watching series containing swearing and foul language is associated with an increase in attitudes and behaviors related to the use of this type of language and even the emergence of aggressive behaviors in the audience. Through the representation of linguistic patterns, the formation and normalization of the audience's verbal behaviors can lead to their acceptance and reproduction in society and social interactions. Given that the analysis of spoken language and profanity-based content in Iranian home show series has not received sufficient attention so far, and almost no systematic research has been conducted on the representation of profanity and its use in dialogues, and since media language has a significant potential to have a psychological and social impact on the audience, the present study, using the qualitative content analysis method, seeks to answer the question of how profanity is represented in Iranian home show series and what patterns and meanings it creates in the context of the narrative and interactions between characters?

Material and Methods

The present study was conducted with a qualitative approach. The statistical population of the study included series produced on the Iranian home show series over the past five to ten years. The samples were selected purposefully and based on the principle of information richness from among the most popular series to provide the greatest opportunity for analyzing foul language and tense verbal behaviors in dialogues. The data analysis process consisted of four main steps: in the first step, data were collected through repeated viewing of selected episodes of the series and recording dialogues related to swearing. In this step, the dialogues were read line by line, examined, different types of swearing were identified, then rewritten and organized to be ready for analysis. In the next stage, initial coding was carried out; in this process, by continuously comparing semantic similarities and differences, open codes related to profanity were identified from the organized dialogues, with the aim of clarifying the initial patterns and concepts and providing a basis for the formation of categories. Subsequently, the formation of categories involved the aggregation of related and synonymous codes and their organization into conceptual categories, in order to create a coherent framework for the analysis of linguistic patterns and concepts related to the representation of profanity. Finally, the fourth stage involved conceptual abstraction and theme extraction, during which semantic patterns and key concepts related to the way profanity was represented in the series were identified and analyzed.

Findings

Qualitative content analysis of the dialogues of the selected series was conducted in a systematic process that included initial coding, categorization, and semantic abstraction, which resulted in the identification and extraction of six main categories and fifteen subthemes that were directly extracted from the text of the dialogues, and formed the conceptual framework of the research findings. In this way, the research process led to the identification and extraction of subthemes such as verbal threat of violence, contradictory respect for family, hate-oriented rhetoric, etc. Also, main categories such as the toying with of family roots, post-thinking in identity, profanity seasoned with humor, etc. And finally, the axes of representation of profanity with the titles of social context (individual / interpersonal), family context (relationships/position), cultural narrative context (verbal/ironic), and the nature of profanity (humor/destruction/tension).

Conclusion

The present study showed that swearing not only does not conflict with attracting audiences, but it can also be a reason for a work to become more popular. Therefore, paying attention to series produced on home show networks that are constantly exposed to audiences and families, and taking a multiple (not one-dimensional) view in the production and interpretation of series from both a visual and content perspective, may lead to better conditions for using the media.

Keywords: Home show series, Qualitative analysis, Representation, Swearing, Transfer of meaning

فیلم‌ها و سریال‌ها از تأثیرگذارترین اشکال بیان فرهنگی هستند که نقش مهمی در شکل‌دهی هنجارها، ارزش‌ها و هویت اجتماعی در بین افراد ایفا کرده و دسترسی جهانی و نامحدود به آن، اهمیت و چالش‌های مرتبط با عرصه رسانه را دوچندان کرده است (Bioglio & Pensa, 2018; Shrestha et al., 2026). فیلم‌سازی و ساخت سریال، با اهداف صنعتی-مالی توأم بوده و ماهیتی هنری-فرهنگی در جهت تبلیغ و ماندگاری اثر را دنبال می‌کند؛ این موضوع منجر به گسترش هر چه بیشتر عرصه تولیدات رسانه‌ای با اهداف گوناگون فرهنگی-تجاری و اجتماعی شده است (Liu et al., 2023). در این میان، سرویس‌های پخش ویدئویی آنلاین و سریال‌های نمایش خانگی به عنوان بخش مهمی از تولیدات رسانه، به یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال محتوا و سرگرمی در سطح جهان تبدیل شده‌اند. رشد سریع این پلتفرم‌ها و دسترسی گسترده به محتوای سریال‌ها، تغییرات بنیادینی در الگوهای مصرف رسانه‌ای مخاطبان ایجاد کرده و بسیاری از مردم، از جمله خانواده‌ها و نسل جوان، به مخاطبان اصلی و فعال این گونه محتواها تبدیل شده‌اند (Waheed & Aamir, 2024). به ویژه این‌که اکثر مخاطبان این سریال‌ها، عمیقاً با آن درگیر شده و به جای تماشای منفعلانه این فیلم‌ها در یک نوبت، اغلب در چندین رفتار مرتبط با درگیری مخاطب مانند نقل قول دیالوگ‌ها در مکالمات روزمره، بحث در مورد آن در رسانه‌های اجتماعی، لباس پوشیدن مثل شخصیت‌های مورد علاقه و .. جذب شده و مشارکت می‌کنند (Rubin et al., 2022).

در سال‌های اخیر، رسانه‌های دیداری به‌ویژه سریال‌های نمایش خانگی در ایران، نقش مهمی در بازنمایی زبان و رفتارهای اجتماعی داشته‌اند. گسترش پلتفرم‌های داخلی نیز با افزایش دسترسی، تنوع محتوا و سهولت استفاده، این رسانه‌ها را به بستر اصلی دریافت سریال و فیلم برای مخاطبان تبدیل کرده است (محمودی و ملک‌پایین، ۱۴۰۳). لذا سریال‌های معاصر به‌عنوان فرم‌ها و تولیدات ویژه رسانه‌ای، نه تنها منطق روایتی و مشارکتی رسانه‌های امروزی را بازتاب می‌دهند، بلکه عناصری سینمایی مانند ساختار روایت، ریتم و سبک بصری را با محتوا در هم آمیخته و تجربه‌ای معنادار برای مخاطبان خلق می‌کنند (Maiello, 2023).

محتوای زبانی در دیالوگ‌ها یک ابزار مهم و برجسته برای پیشبرد روایت فیلم و سریال محسوب شده که می‌تواند بر نگرش‌ها، هنجارها و الگوهای ارتباطی مخاطبان تأثیر بگذارند و در شکل‌گیری و انتقال معنا نقش مهمی ایفا کنند (Bednarek, 2019). یکی از این مصادیق برجسته، کاربرد ناسزاگویی و زبان اهانت‌آمیز به‌واسطه دیالوگ است. ناسزاگویی، ماهیتاً، یکی از گزینه‌های زبانی با چاشنی فرهنگی‌ست که به صورت فحوی و نوشتاری در بین تمام ملت‌ها و جوامع وجود داشته و طیف وسیعی از کارکردهای بین فردی در روابط را شامل می‌شود. از طرف دیگر، کلمات رکیک‌آلود و دشنام، بیشتر اوقات انعکاس احساسات و هیجانات منفی بوده که پیام‌های قدرتمندی را در خفا یا آشکارا منتقل می‌کند. پیام‌هایی که خوشایند شنوندگان و طرفین درگیر در تعاملات بین فردی نخواهد بود (Kakisina & Purwaningtyas, 2020).

ناسزاگویی از یک‌سو به‌عنوان ابزاری روایی در پیشبرد داستان عمل می‌کند و از سوی دیگر می‌تواند بازتاب‌دهنده هنجارها و ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی باشد. از این‌منظر، تماشای فیلم‌ها و سریال‌های حاوی ناسزاگویی و زبان رکیک با افزایش نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با استفاده از این نوع زبان و حتی بروز رفتارهای پرخاشگرانه در مخاطبان، توأم خواهد شد (Coyne et al., 2011). از منظر یادگیری اجتماعی، رسانه‌های دیداری می‌توانند از طریق بازنمایی الگوهای زبانی، در شکل‌گیری و عادی‌سازی رفتارهای کلامی مخاطبان نقش داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که مشاهده مکرر کنش‌های زبانی خاص، از جمله ناسزاگویی، می‌تواند به پذیرش و بازتولید آن‌ها در جامعه و تعاملات اجتماعی منجر شود (Bandura, 2009).

مبانی نظری پژوهش

رسانه‌های نوین از شبکه‌های اجتماعی تا فیلم و سریال، با تأثیرگذاری بر افکار، رفتار و تعاملات اجتماعی، ابعاد مختلف زندگی فردی و جمعی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند (صادقی و مرتضوی، ۱۳۹۴). دیدگاه‌های نظری، تبیین‌های متفاوتی را از این موضوع ارائه کرده‌اند؛ نظریه کاشت^۳ جرج گربرنر بیان می‌کند که تماشای مکرر تلویزیون و سریال‌های نمایش خانگی به تدریج برداشت مخاطبان از جهان واقعی را تغییر داده و الگوهای خاصی را در ذهن آنان "کاشت" می‌کند. این نظریه از اواخر دهه ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰ منتشر شد و استدلال‌های مطرح شده در آن باعث شد که در مرکز مباحثات مربوط به تأثیر رسانه قرار بگیرد (Gerbner et al., 1978, 1980; Ruddock, 2024).

از نگاه این رویکرد، سریال‌های نمایش خانگی با معناسازی گسترده، از جمله در بازنمایی زبانی مخاطبان نقش دارند. در این معنا یک برنامه یا سریال می‌تواند به دو نوع کاشت ذهنی در مخاطبان خود منجر شود؛ در کاشت مرتبه اول بر درک آن‌ها از دنیای واقعی تسلط پیدا کرده و در کاشت مرتبه دوم، نگرش آن‌ها را به شکلی هدفمند تحت تأثیر قرار دهد (Gerbner & Gross, 1976; Meltzer, 2026). بر این اساس، نظریه کاشت بیان می‌کند که قاب‌های تصویری رسانه مانند سریال‌های خانگی و تلویزیونی، محیطی نمادین ایجاد کرده و با شکل‌دهی الگوهای ذهنی، بر ادراک مخاطبان اثر می‌گذارند (باهنر و جعفری، ۱۳۹۱). پیرو ابعاد نظری مطرح شده از نگاه گربرنر، می‌توان به نظریه استفاده و رضایت‌آز بلومر و کاتز^۴ (۱۹۷۴) اشاره کرد که طبق آن، مخاطبان اقدام به استفاده یا بهره‌مندی از آن چیزی می‌کنند که برای آن‌ها خشنودی و رضایت‌مندی به ارمغان می‌آورد. یعنی مخاطبان نیز فعالانه بر اساس نیازها و انگیزه‌های خود به دنبال نوعی دریافت خشنودی به علت کارکرد (استفاده) رسانه‌ای هستند. رویکرد استفاده و خشنودی فرض می‌کند که افراد به‌طور فعال با رسانه‌ها برای برآورده کردن نیازهای خاص مانند سرگرمی، تعامل اجتماعی و شکل‌گیری هویت درگیر می‌شوند و برخلاف مدل‌های مخاطب منفعل، بر عاملیت بینندگان و کاربران در انتخاب رسانه و فیلم‌هایی که با اهداف و ترجیحات آن‌ها همسو هستند، تأکید می‌کند (Nwagbara, 2025). رسانه‌ها نیز به همین منظور، در یک مسیر موازی و به منظور ارتقاء اثر رسانه‌ای خود، اقدام به برآورده کردن نیازهای مخاطبان می‌کنند. زیرا بر مبنای این تئوری استفاده کنندگان رسانه با توجه به نیازهای متفاوت روانشناختی به دنبال دریافت حداکثر بهره‌مندی و رضایت بوده که در صورت عدم دستیابی به نیازهای دلخواه، در جست‌وجوی گزینه‌های دیگری خواهند بود. به عبارتی بینندگان یک سریال، این سؤال را در ذهن خود تکرار می‌کنند که تماشای این (سریال، فیلم یا برنامه) چه رضایت‌هایی برای ما فراهم می‌آورد؟ (Wang, 2025).

در نهایت رویکرد استوارت هال^۵ (۲۰۱۹) از تأثیرگذارترین چارچوب‌ها در مطالعات رسانه‌ای و فرهنگی به شمار می‌رود. از نگاه این تئوری متون رسانه‌ای توسط تولیدکنندگان با معانی ترجیحی خاص، که اغلب با ایدئولوژی‌های غالب همسو هستند، "رمزگذاری" می‌شوند. با این حال، این متون به شیوه‌ای ثابت یا یکنواخت دریافت نمی‌شوند. در عوض، مخاطبان ممکن است بسته به پیشینه فرهنگی، تجربه زیسته و چارچوب تفسیری خود، مواضع متفاوتی اتخاذ کنند (Ge, 2026).

زبان را باید یک جهان کوچک فرهنگی به عنوان ظرف و حامل ابعاد متنوع فرهنگ و تعاملات اجتماعی در نظر گرفت (Haider & Shuhaiber, 2024) که بخش زیادی از نحوه بازنمایی معنا از طریق آن اتفاق می‌افتد، زیرا طبق نظریه بازنمایی هال، انسان‌ها در موقعیت و زبان قرار گرفته و یک زبان یا یک برنامه رسانه‌محور، مستقل از انسان‌ها وجود نداشته و در حقیقت بدون اعمال انسانی هم‌چون صحبت کردن، تماشا کردن، تولید کردن، بازتولید کردن و... ساختارهای فرهنگی مرده و بی‌معنا به حساب خواهند آمد. از

نگاه هال بازنمایی با فرهنگ، معنا، زبان و ارتباطات سروکار داشته و رسانه از طریق تصویر، نه تنها هویت تولید می‌کند، بلکه به بازتولید دانش نیز منجر می‌شود و تا آن‌جا پیش می‌رود که تصاویر ما را می‌سازند (Fuchs, 2023).

پیشینه پژوهش

یکی از ابزارهای زبانی مورد استفاده برای بیان احساسات و عواطف قوی، استفاده از کلمات تابو است که معمولاً به صورت غیررسمی بیان شده و نقش قدرتمندی در بروز هیجانات شدید مانند خشم، ناامیدی، پریشانی، حیرت و شادی ایفا می‌کنند. تقریباً همه زبان‌ها و فرهنگ‌ها از زبان تابو استفاده می‌کنند، اگرچه میزان استفاده و توهین‌آمیز بودن آن ممکن است بین زبان‌ها و فرهنگ‌ها و حتی در یک جامعه زبانی به طور قابل توجهی متفاوت باشد. اما به هر روی، کلمات تابو عناصر اجتناب‌ناپذیر زبان بوده و بسیاری از مردم از کلمات تابو (علی‌رغم انکار آن) استفاده می‌کنند (Sahari, 2024). این جریان با رشد سرویس‌های پخش آنلاین رسانه‌ای، به‌ویژه در قالب سریال‌های نمایش خانگی، زمینه‌ساز آزادی عمل بیشتر سازندگان محتوا در به‌کارگیری زبان غیررسمی و رکیک در فیلم‌ها و سریال‌ها شده که گسترش چنین الگوهای زبانی در محصولات رسانه‌ای می‌تواند بر الگوهای زبانی رایج در جامعه و شیوه‌های گفتاری مخاطبان تأثیری قابل توجه بر جای بگذارد. نتایج پژوهشی در این‌راستا نشان می‌دهد که در جوامع معاصر، میزان پذیرش و کاربرد زبان رکیک در میان مردم، به‌ویژه نسل جوان، رو به افزایش است و عوامل فرهنگی و رسانه‌ای نقش مهمی در شکل‌گیری و تداوم این فرایند ایفا می‌کنند (Bhatt et al., 2024).

دیگر پژوهش‌های زبانی بر پیچیدگی معنایی و نقش اجتماعی زبان تابو که اغلب به عنوان ناسزا یا کلمات رکیک شناخته می‌شود، در رسانه‌های دیداری تأکید کرده‌اند؛ مطالعه بدنارک (2019) نشان می‌دهد که این واژگان در دیالوگ‌های سریال‌ها نه تنها نقش مهمی در پیشبرد روایت دارند، بلکه در بازنمایی هنجارها و ارزش‌های اجتماعی نیز مؤثرند. علاوه بر این، تحلیل‌های مقایسه‌ای حاکی از آن است که استفاده از ناسزا در شخصیت‌های سریالی طی زمان افزایش یافته و این روند می‌تواند به تغییر هنجارهای زبانی در رسانه‌ها و تسهیل کاربرد زبان رکیک در محتواهای دیداری منجر شود (Fägersten & Bednarek, 2022). در همین‌راستا نتایج یک مطالعه طولی در خصوص میزان استفاده فیلم‌های هالیوودی از الفاظ ناسزا، نشان داد تعداد کلمات تابو که روی پرده سینما ظاهر می‌شوند، در طول ۳۰ سال سه برابر افزایش یافته است (Sahari, 2024).

پژوهش‌های داخلی نیز به تحلیل پیام‌ها و بازنمایی رفتارهای اجتماعی در سریال‌های نمایش خانگی ایران پرداخته‌اند؛ اکبرپور و زاده‌محمدی (۱۳۹۹) در یک مطالعه به بررسی ساختار درون‌مایه سریال‌ها با رویکرد سیستمی به خانواده پرداختند که نتیجه گرفتند این آثار دارای ساختارهای معنایی منسجم و ویژه‌ای هستند که نحوه بازنمایی رفتارهای اجتماعی و تعاملات خانوادگی را شکل می‌دهند. هم‌چنین، تحلیل‌های انجام‌شده توسط بازوبندی و همکاران (۱۴۰۳) بر بازنمایی خشونت و رفتارهای هنجاری در سریال‌های شبکه نمایش خانگی متمرکز بود و نشان داد که این سریال‌ها در ارائه جنبه‌های رفتاری و هنجاری با پیچیدگی‌های چندلایه مواجه هستند و نحوه بازنمایی رفتارهای انسانی و هنجارهای اجتماعی را به شکل ترکیبی ارائه می‌کند. هم‌چنین پژوهشی با روش تحلیل محتوای کیفی درباره مصرف دخانیات در سریال‌های نمایش خانگی نشان داد که تحلیل‌های ریزمتنی درباره رفتارهای نامناسب در این سریال‌ها می‌تواند اطلاعات دقیق‌تری درباره الگوهای بازنمایی ارائه دهد (توسلی و همکاران، ۱۴۰۳). در همین‌راستا، مطالعه‌ای با هدف بررسی نشانه‌های بصری و طراحی عنوان‌ها توسط پرمهریابنده و همکاران (۱۴۰۱) انجام شد که نشان داد تحلیل عنوان سریال‌های نمایش خانگی در ایران، می‌تواند بازنمایی‌های معناداری از فرهنگ، هویت و مخاطب رسانه‌ای ارائه دهند.

با توجه به اشارات پیش از این، تحلیل زبان گفتاری و محتوای زبان ناسزاگوییانه در سریال‌های نمایش خانگی ایران تاکنون مورد توجه کافی قرار نگرفته و تقریباً پژوهشی نظام‌مند در زمینه بازنمایی زبان ناسزا و کاربرد آن در دیالوگ‌ها انجام نشده است. از آن جاکه زبان رسانه‌ای دارای پتانسیل قابل توجهی جهت تأثیرگذاری روان‌شناختی و اجتماعی بر مخاطب می‌باشد، مدیریت زبان ناسزا در رسانه‌ها نقش مهمی در بازتولید یا تضعیف تابوهای زبانی دارد و می‌تواند بر درک و استفاده از واژگان رکیک در موقعیت‌های مختلف تأثیر بگذارد (Fägersten et al., 2024). بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که زبان ناسزا در سریال‌های نمایش خانگی ایران چگونه بازنمایی می‌شود و چه الگوها و معانی‌ای را در بافت روایت و تعاملات میان شخصیت‌ها ایجاد می‌کند. این مطالعه با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی تلاش می‌کند تا خلأ پژوهشی موجود را تا حدی برطرف کرده و چشم‌اندازی عمیق، ساختاریافته و تحلیلی از نقش و کارکرد زبان ناسزا و رکیک در سریال‌های نمایش خانگی ارائه دهد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با نگاهی کیفی و در یک قالب تحلیلی محتوایی، به بررسی بازنمایی زبان ناسزا در سریال‌های شبکه نمایش خانگی ایران و تحلیل نحوه شکل‌گیری الگوها و معانی در بافت روایت و تعاملات میان شخصیت‌ها می‌پردازد. تحلیل محتوای کیفی روشی نظام‌مند و انعطاف‌پذیر برای تفسیر داده‌های متنی و نمادین است که امکان شناسایی الگوهای معنایی، مقوله‌ها و مضامین نهفته در داده‌ها را فراهم می‌کند و به‌ویژه برای مطالعه پدیده‌های زبانی و گفتمانی در رسانه‌ها مناسب است (Graneheim & Lundman, 2004). به این ترتیب، بازنمایی‌های متنوع ناسزاگویی در سریال‌های شبکه نمایش خانگی ایران بدون تحمیل پیش‌فرض‌های نظری محدود، از طریق فرایند کدگذاری استخراج شده و مورد تحلیل قرار می‌گیرند، که در نتیجه الگوهای معنایی آن‌ها در بستر زمینه‌ای و متنی روایت‌ها، فهم و تفسیر می‌شوند.

جامعه آماری پژوهش شامل سریال‌های تولیدشده در شبکه نمایش خانگی ایران طی پنج تا ده سال اخیر بود. نمونه‌ها به صورت هدفمند و بر اساس اصل غنای اطلاعاتی (Patton, 2015) از میان سریال‌های پرمخاطب انتخاب شدند تا بیشترین امکان را برای تحلیل زبان ناسزا و رفتارهای کلامی تنش‌آمیز در دیالوگ‌ها فراهم کنند. گزینش نمونه‌ها صرفاً بر پایه فرضیه پژوهشگر انجام نگرفت، بلکه مبتنی بر بازخوردهای رسانه‌ای، واکنش‌های اجتماعی مخاطبان و بررسی اکتشافی اولیه بود. در این مطالعه، ناسزاگویی به صورت عملیاتی شامل فحاشی مستقیم، تحقیر و توهین کلامی، برجسب‌زنی زبانی و به‌کارگیری واژگان تابو و الفاظ رکیک در دیالوگ‌ها تعریف شد و در نهایت نمونه‌های سریالی با ظرفیت معنایی برجسته برای تحلیل بازنمایی ناسزاگویی انتخاب شدند که مطابق با اصول نمونه‌گیری هدفمند در پژوهش‌های کیفی بود.

تحلیل داده‌ها در چارچوب تحلیل محتوای کیفی و با بهره‌گیری از تحلیل مضمون انجام شد، به‌گونه‌ای که کدها و مقوله‌ها مستقیماً از متن دیالوگ‌ها استخراج شدند (Braun & Clarke, 2006; Schreier, 2012). از این منظر، فرایند تحلیل داده‌ها شامل چهار گام اصلی بود؛ در نخستین مرحله، داده‌ها از طریق مشاهده مکرر قسمت‌های منتخب سریال‌ها و ثبت دیالوگ‌های مرتبط با ناسزاگویی جمع‌آوری گردید. در این گام، دیالوگ‌ها خطبه‌خط، بررسی، گونه‌های مختلف ناسزاگویی شناسایی، سپس بازنویسی و سازمان‌دهی شدند تا برای تحلیل آماده گردند. در مرحله بعد، کدگذاری اولیه انجام شد؛ در این فرایند، با مقایسه مستمر شباهت‌ها و تفاوت‌های معنایی، کدهای باز مرتبط با ناسزاگویی از دیالوگ‌های سازمان‌دهی شده شناسایی شدند، با این هدف که الگوها و مفاهیم اولیه روشن شده و زمینه‌ای برای شکل‌دهی مقوله‌ها فراهم گردد. در ادامه، شکل‌دهی دسته‌بندی‌ها، شامل تجمیع کدهای مرتبط و هم‌معنا و سازمان‌دهی آن‌ها در قالب دسته‌های مفهومی بود، به‌گونه‌ای که چارچوبی منسجم برای تحلیل الگوها و مفاهیم زبانی

مرتبط با بازنمایی ناسزاگویی ایجاد گردد. در نهایت، مرحله چهارم شامل انتزاع مفهومی و استخراج مضامین بود که طی آن الگوهای معنایی و مفاهیم کلیدی مربوط به نحوه نمایش ناسزاگویی در سریال‌ها شناسایی و تحلیل شدند.

جهت افزایش اعتبار و اعتمادپذیری یافته‌های این پژوهش، معیارهای پذیرفته‌شده در پژوهش‌های کیفی، شامل اعتبار، قابلیت انتقال، پایایی^۱ و قابلیت تأیید^۲، کاملاً رعایت گردید (Graneheim & Lundman, 2004; Ahmed, 2024). در این راستا، از مثلث‌سازی داده‌ها برای کاهش سوگیری و افزایش اعتبار استفاده شد، به‌طوری که داده‌ها از چندین قسمت سریال و از منابع متنوع جمع‌آوری گردید. همچنین، با ارائه توضیحات غنی از زمینه و ثبت دقیق مسیر تحلیل داده‌ها، امکان بررسی و بازسازی تحلیل‌ها توسط دیگر پژوهشگران فراهم شد. بدین ترتیب، شفافیت و دقت در تمامی مراحل کدگذاری و شکل‌دهی مقوله‌ها تضمین گردید و اطمینان حاصل شد که یافته‌ها بازتاب واقعی داده‌ها و نه برداشت شخصی پژوهشگر باشند. این اقدامات همسو با اصول نوین اعتبارسنجی پژوهش‌های کیفی، کیفیت و قابلیت اعتماد نتایج این مطالعه را ارتقا می‌دهد.

در این پژوهش، هفت سریال منتخب از شبکه نمایش خانگی ایران که در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۴ تولید شده بودند، مورد مطالعه قرار گرفت که اطلاعات مربوط به هر یک از این آثار، در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: فیلم‌شناسی آثار منتخب مورد تحلیل

سریال	تولید	داستان	تعداد قسمت	کارگردان
قورباغه	۱۳۹۸	سه رفیق اسلحه پلیسی را دزدیده و برای یک سرقت مسلحانه آماده می‌شوند.	۱۵	هومن سیدی
سیاوش	۱۳۹۹	سیاوش کشتی‌گیر است و نامزدش نیاز به عمل پیوند کبد دارد.	۱۸	سروش محمدزاده
یاغی	۱۴۰۱	جاوید به دلیل فقر مالی و نداشتن شناسنامه درگیر مشکلاتی می‌شود.	۲۰	محمد کارت
آفتاب‌پرست	۱۴۰۱	دو رفیق خفت‌گیر به نام‌های جمال و منوچهر دستگیر و به زندان می‌افتند.	۱۵	برزو نیک‌نژاد
جنگل آسفالت	۱۴۰۳	تنش‌ها و التهابات زندگی یک خانواده برای تسویه یک بدهی است.	۱۴	پژمان تیمورتاش
اجل‌معلق	۱۴۰۴	داوود تصادف کرده و روح از بدنش جدا می‌شود اما روح به بدن او باز می‌گردد.	۲۰	عادل تبریزی
شغال	۱۴۰۴	کامیار می‌خواهد مدیر شرکت پدرش شود اما درگیر یک قمار خطرناک می‌شود.	۲۳	بهروز توفیقی

یافته‌ها

تحلیل محتوای کیفی دیالوگ‌های سریال‌های انتخاب‌شده شامل فرایندی نظام‌مند شامل کدگذاری اولیه، مقوله‌بندی و انتزاع معنایی بود که به شناسایی الگوهای معنایی مسلط در بازنمایی ناسزاگویی انجامید. این مسیر تحلیلی به استخراج شش مقوله اصلی و پانزده مضمون فرعی ختم گردید که مستقیماً از متن دیالوگ‌ها استخراج، و چارچوب مفهومی یافته‌های پژوهش را شکل دادند.

جدول شماره ۲: تحلیل کیفی ناسزاگویی در سریال‌های منتخب

دیا لوگ	فیلم	قسمت	دقیقه	محوری	اصلی
طرد محتوای گفتار	قورباغه	۹	۳۶	کلام کم‌بهاء	چرا بجای اینکه نفس بکشی هی زر می زنی .. خفه نمی شی ..
	سیاوش	۱۵	۲۹		چی بلغور کردی بگو ببینم .. همین الان زر زر کردی این چی بود
	آفتاب‌پرست	۱	۱۳		من که هر چی می گم تو زر خودت رو می زنی..
	جنگل آسفالت	۲	۲۴		واپسا هنوز حرفم تموم نشده .. حرف نمیزنی بابا .. داری زر مفت می زنی..
	یاغی	۱	۵۴		د خفه شود دیگه .. هی زر می زنه ..
	شغال	۷	۱۳	نابرابری در گفتار	اسم یارو چی بود؟ زر بز.. چی بود؟ زر ترن.. تو نخ رو درآر بد رفته بهت..
	جنگل آسفالت	۳	۱		الو جمشید صدات رو ندارم .. درست زر بزنی ببینم چی میگه؟
	اجل معلق	۱۰	۳۱		ببین یا آمار این دزده رو می دی .. زر بز..
	شغال	۱	۶۸	تخریب اساس شخصیتی	اگه پیدات کنن مثل سگ می کشنت بالا .. گمشو برو بالا
	آفتاب‌پرست	۲	۶۱		خیلی بهت رحم کردم مثل سگ نکشتمت ها ..
	اجل معلق	۱۰	۱۲		ببین آقا بهمنی من الان مثل یه سگ هارم ... وحشی ام ..
	قورباغه	۷	۱۵		می‌خواهی تحریکم کنی که برم این پسر رو بچسبونمش به دیوار مثل سگ بز نمش..
	سیاوش	۷	۳۴		اسم من دیگه اینجور موقع ها صابر نیست .. من سگم ..
	قورباغه	۷	۳۷		من خوک صفت حالم خراب تر از این حرفاست..
	جنگل آسفالت	۵	۲۵		آخه کمتر از سگ، آدم زنش رو می‌پیچونه می زنه به جاده؟
	یاغی	۲	۸		آخه بدبخت تو باید عین سگ له له بزنی .. دم این و اونو ببینی یه تیکه غذا بندازن جلوت..
	جنگل آسفالت	۱۲	۲۴		اونا قلاده .. قلاده رو می ندازم دور گردنت، صبر کن ..
	آفتاب‌پرست	۳	۵۷		اون موها تو بزنی کنار عین سگ شدی ..
تنزل روابط انسانی	جنگل آسفالت	۱۴	۳۳	نگاه کنایی تحقیر آمیز	هارت کردم، لنگ و لگد داری می ندازی ..
	سیاوش	۴	۳۳		اگه خونه صاحب داشت که تو اینجوری هار نمیشدی..
	اجل معلق	۱	۱۱		حالا اون نمی فهمه .. تو چرا هار شدی ..
	سیاوش	۳	۳۰		چشم نمگی لگد نهرون که افسارت زنن ..
	شغال	۹	۳۵		برا اینکه دختره هار شد بتونم افسارش رو بکشم..
	سیاوش	۴	۳۳	تکریم تناقضی خانواده	من هی میگم این لاته .. این بی خانواده ست.. بی خانواده هفت جدو آبادته..
	سیاوش	۷	۳۵		دیوونه جدو آبادته درست صحبت کن..
	قورباغه	۷	۳۶		دوما اینا خونواده من، سوما گشنه جدو آبادته ..
	جنگل آسفالت	۱۱	۲۸		تف تو قبر جدوآباد هر کی از این خونه نره ..
	اجل معلق	۸	۱۵		هووو .. برا چی سوار بچه م شدی .. خر جدوآبادته .. پاشو ببینم ..
بازچه شدن ریشه خانواده	یاغی	۲	۷	بی‌وزنی منظومه خانواده	پدر سگ اگه بلایی سر دخترم می‌اومد زنده زنده خاکت می کردم ..
	جنگل آسفالت	۸	۲۶		خب من رو بندازن زندان تو می تونی بدهی این داوود بی پدر رو بدم؟
	جنگل آسفالت	۱۴	۴۳		هر چی داریم از وجود خودته .. تخم جتنی تون به کی رفته فقط؟
	یاغی	۲	۲۷		خفه شو کره خر تا نیومدم زبونت رو ببرم ..

ایجاد روایت غیر اخلاقی تنشزا	سبک روایتی هیجان مدار	سیاوش	۵	۴۴	کدوم حروم لقمه ای به تو پول می ده؟ بیا این پول رو وردار ببر.. معلوم نیست پول کدوم حروم لقمه ای رو آوردی دادی به من ..
		قورباغه	۱۲	۲	نوری حرومزاده حواس من رو پرت کرد ..
		جنگل آسفالت	۱	۱	به خاک بابام سرت رو می برم حرومزاده ..
		یاغی	۱۰	۵۲	صورت آتی رو می سوزونه .. پست فطرت حرومزاده عوضی..
		شغال	۵	۱۵	نعش ت رو می ندازم همینجا حرومزاده .. سگ هم پیدات نمی کنه ..
	روایت سفید یک تقبیح	اجل معلق	۱۰	۳	نریز بی ناموس نریز .. داداش به موت قسم من دزدم ..
		یاغی	۲	۴۱	حالا کجا برده این دختره رو این بی ناموس .. خدا وکیلی بچه بی ناموسی نیستش ..
		قورباغه	۳	۴۵	داری چیکار می کنی .. ول کن بی ناموس .. رامین داره چیکار می کنه .. داش جون بچه ت..
		جنگل آسفالت	۱	۱	بچه بابام نیستم اگه بزارم تو این محل زندگی کنی بی ناموس..
	عادی سازی روایت ناسزا	آفتاب پرست	۱	۶	سرنخ همه این چیزا دست یکیه به اسم افشار از اون بی شرافست..
		یاغی	۸	۳۵	فقط یه آدم به گندگی اکبر مجلل می تونه مارا برسونه به این بی شرف ..
		شغال	۲۰	۴	اون عرشیای بی شرف سر تو اومده سراغ من .. چرا چرت می گی؟
		جنگل آسفالت	۲	۲۴	آخه من انقد بی شرفم که از خودم بدزدم؟
		اجل معلق	۸	۱۸	من که می دونم تو چه بی شرفی هستی یه جوری صحبت می کنی باورم شه انسان پاکی هستی ..
	فضاسازی ناهنجار روایی	شغال	۱	۴	من اگه گذاشتم کسی با سند از اینجا بره بیرون بچه بابام نیستم .. این رو برو به اون عرشیای پوفیوز بگو ..
		اجل معلق	۱۰	۴	خفه شو پررو پوفیوز .. بریز خاکش کن تا سنگ قبرش رو سفارش بدم ..
		شغال	۵	۱۶	می گم سیاوش می خواد دختره رو بگیره پوفیوز ..
		شغال	۲۰	۱۶	من اون مهران پوفیوز رو آدم نکنم از سگ کمترم .. حالا گمشو سر کارت ..
	کلام آرایبی کراهت محور	سیاوش	۵	۱۷	کی به شما بفرما زد جفت پا می پری در زندگی مردم، پاشو بابا هری ..
		قورباغه	۱۲	۳۹	تو هم مال خونه داشتی .. اونجام که مثل خیابونه .. حالام هری ..
		جنگل آسفالت	۳	۱۶	گمشو برو خونه فرشته منتظرته .. هری .. هری..
		آفتاب پرست	۱	۴۴	برو بیرون ببینم مرتبکه هیز کچل.. من مردم اون چلغوز بیاد مونس تو بشه.
		اجل معلق	۲	۲۲	این بازی جدیدشون غلام .. هری فکر کردی با خر طرفی؟
نازل اندیشی در هویت نگری	سخیف انگاری فردیت	سیاوش	۳	۳۱	هووو حیوون یابوو .. اینجا طویله نیست در رو اینجوری می بندی ها.. از گل..
		آفتاب پرست	۱	۱۳	خب آخه آلدنگ من و تو چه کار دیگه ای از دستمون برمیاد..
		قورباغه	۳	۲۴	وا کن ببینم بابا لاشخور .. کفتار من خودم جایزه بگیرم .. وا کن کرکس..
		اجل معلق	۱	۲۹	شما چقدر لاشخور هستید ..
		شغال	۵	۲۴	آخرش شدی این بابویی که جنس تقلبی می زاره کف دست بچه مردم ..
		قورباغه	۶	۹	چته حیوون .. الاغ تا ابد نمی مونه که.. بالاخره یه روز تموم می شه دیگه ..
		جنگل آسفالت	۱۲	۲۳	آشغال عوضی حمال پیش خودت چه فکری کردی هان؟
		یاغی	۱	۵۲	غلط کردم قرص خوردم .. کی واسه دل درد ترامادول می خوره .. لاشی..
		اجل معلق	۱۰	۳	آخه لجن تو رفتی فرشته خونه مردم رو خالی می کنی خجالت نمی کنی؟

ه ج و ز ی ن ی ک ل ا م ی	هجوگزینی کلامی	۳۷	۵	شغال	به عمر هیچ گوهی نشدیم .. تو شاید هیچ گوهی نشدی .. اما .. ما شدیم.
		۳۳	۷	سیاوش	تو حد این گوه خوری ها نیستی. تو غلط کردی گوه خوردی دختره خراب..
		۳۶	۲	آفتاب پرست	سر و صدا دیگه نشنوم .. من گوه بخور سر و صدا کنم..
		۳۶	۳	قورباغه	تو گوه خوردی .. گوه خوردی من رو ول کردی .. همه تون گوه خوردید ..
		۶۸	۱	جنگل آسفالت	پس من چه گوهی بخورم .. شما می فرمایید من الان چه گوهی بخورم ..
		۱۰	۱۰	یاغی	داداش شوخی کردم .. ببخشید .. گوه خوردم ..
		۸	۱	اجل معلق	بله من گفتم غلط کردم ببخشید گوه خوردم ..
	کمدی کلامی سیاه	۲۱	۱	یاغی	این ریغو بلند شده اومده اینجا به شام مفت بخوره بره ..
		۵۶	۳	آفتاب پرست	روتو برم آقا پسر .. تو سالمات از یه پسر ریغو و یه پیرزن کتک می خورد..
		۳	۱	شغال	بابا عرشیا من ریدم تو این فلاپ زدنت .. با سه آخه باید من رو بیره؟
		۸	۶	قورباغه	اسکل بعدی من نیستم .. پس اومدی برینی به زندگی من ..
		۳۰	۸	یاغی	دوباره دو روز مرخصی نری بری برینی به پاکی .. هروئین رو بغل نکنی ..

در ادامه، هر یک از مضامین اصلی به صورت مستقل و با تکیه بر شواهد دیالوگی استخراج شده، مورد کاوش و بازخوانی قرار خواهد گرفت.

۱. طرد محتوای گفتار

مقوله ذکر شده به کم‌بینی (کلامی و گفت‌وگویی) شخصیت‌ها در ارتباط با یکدیگر اشاره دارد. این گزاره نشان می‌دهد چگونه گفتار یک شخصیت از سوی دیگران می‌تواند بی‌اعتبار انگاشته شده یا نادیده گرفته شود. در زیر مجموعه این مقوله، دو مضمون فرعی دریافت شد؛ نخست "کلام کم‌بهاء" که در آن شخصیت‌ها با بی‌اعتنایی یا تحقیر نسبت به حرف‌های یکدیگر واکنش نشان داده و در نتیجه، ارزش گفتارشان ناچیز شمرده می‌شود. و دیگری "نابرابری در گفتار" که توصیف‌کننده وضعیتی است که در آن یکی از شخصیت‌ها با برتری‌جویی کلامی در قبال دیگری مواجه می‌شود و به شکل آشکار یا ضمنی، از توان تأثیرگذاری و مشارکت فعال در گفت‌وگو بی‌بهره می‌ماند.

دیالوگ؛ " باز تو زر بابا بزرگ من رو خوردی؟ زر بابا بزرگ تو مگه خوردنیه " - [قورباغه، قسمت ۱ دقیقه ۴].

۲. تنزل روابط انسانی

این مقوله، ناظر بر آن دسته از ناسزاهایی بوده که فراتر از یک تنش کلامی ساده، نظام ارتباطی را از حالت انسانی و برابر به سطحی مبتنی بر خشونت‌ورزی و شیء‌انگاری تقلیل می‌دهد. در یکی از زیرمضمون‌ها تحت عنوان "تهدید فحوائی به خشونت"، زبان به ابزاری برای ایجاد رعب و چیره‌گی تبدیل می‌شود؛ تصویری از رابطه که بدون الزام به اقدام فیزیکی، امکان صدمه و آسیب جانی در بطن گفتار وجود داشته و موقعیت رابطه را در مدار تسلط و ترس حفظ می‌نماید. در زیر مضمون فرعی "تخریب اساس شخصیتی"، هویت فردی، به‌طور مستقیم، مخاطب قرار گرفته و با نسبت دادن صفات ناپسند حیوانی یا کاستن از شأن انسانی، بنیان ارزش‌محور یک شخصیت متزلزل می‌شود؛ نوعی سلب منزلت نمادین اتفاق افتاده که طی آن، فرد از جایگاه برابر در یک تعامل متقابل خارج می‌شود. در زیر مضمون دیگر با عنوان "نگاه کنایی تحقیرآمیز"، استعاره‌ها و اشارات غیرمستقیم به عباراتی غیر انسانی مثل قلابه، هارشدن و .. سبب دریافت این معنا در یکی یا هر دو از طرفین شده که رابطه در مسیر مالکیت، کنترل و فرومایگی شخصیتی قرار گرفته است.

دیالوگ؛ "چی داری بهش یاد میدی الاغ .. صدا خر در میاری برو گمشو بیرون ببینم .." - [اجل معلق، قسمت ۸ دقیقه ۱۶].

۳. بازیچه شدن ریشه خانواده

در این مقوله، نظام خانواده به عنوان نشانی از اصالت و منزلت، زیر سؤال رفته و منبعی برای تخریب متقابل در تعاملات می‌شود. این مقوله اصلی در برگرفته دو زیر مضمون فرعی بوده که در یکی از موارد با عنوان "تکریم تناقضی خانواده"، بافت خانواده به بهانه حمایت و دفاع از آن، زیر سؤال می‌رود. یعنی ارجاع به خانواده در ظاهر به دلیل ارزشمندی و اهمیت بوده، اما در عملی تناقضی، شرایطی ایجاد شده که حیثیت ساختاری خانواده در محور فروپاشی قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که از الفاظ مقدسی چون پدر، نیاکان یا ریشه خانوادگی در جهت نزول کرامت فرد و خانواده استفاده می‌شود. همچنین در زیر عنوان "بی‌وزنی منظومه خانواده"، مرزهای مشروعیت‌بخش به خانواده از بین رفته و مفاهیمی ناشایست چون بی‌پدری و .. یا نسبت‌های مقایسه‌ای و تشابهی ناروا، نظام معنادار خانواده را از کارکرد طبیعی و فضیلت‌مندی خود کاملاً جدا می‌کند. از این‌رو، خانواده از جایگاه اصالتی خود فاصله گرفته و به بستری برای نزاع و بی‌مایگی تبدیل می‌شود.

دیالوگ؛ "برخورده؟ غلط کرده با هفت جدوآبادش که بهش برخورده .." - [جنگل آسفالت، قسمت ۱۱ دقیقه ۳۸].

۴. ایجاد روایت غیر اخلاقی تنش‌زا

مقوله حاضر به معنای وجود و بروز زبان ناپسند و انگ‌های هتاکانه در مراودت‌های اجتماعی و بین‌فردی شخصیت‌ها می‌باشد که در خدمت تکوین فضای داستانی فیلم به منظور ایجاد کشمکش و نمایش هیجان قرار می‌گیرد. زیرمضمون "سبک روایی هیجان‌مدار"، به استفاده مداوم از تعبیرهای خشن، تندخویانه و تهدیدآمیز اشاره دارد که در جهت افزایش ضرباهنگ هیجانی داستان بوده و سکانس‌ها را به سمت برانگیختگی التهابی و رویارویی مستمر هدایت می‌کند. "روایت سفید یک تقبیح" زیرمضمون دیگری است با اشاره به موقعیتی که در آن یک شخصیت با استفاده از واژگان اهانت‌آمیز، خود را در جایگاه قضاوتی قرار داده و با استفاده از یک بیان نكوهشی، سعی دارد کنش ناهنجار رفتاری‌اش را مشروع و به حق جلوه دهد. در زیرمضمون "عادی‌سازی روایت ناسزا"، بد و بیراهه‌های کلامی، به بخشی عادی از دیالوگ‌ها تبدیل شده و حساسیت نسبت به پیامدهای معنایی آن به تدریج کم‌رنگ می‌شود. سرانجام در زیرمضمون "فضاسازی ناهنجار روایی" متنی شکل می‌گیرد که بر انباشت تعابیر و مفاهیم نا متعارف استوار است. این حجم از تراکم واژه‌گانی و مفهومی، میدان روایت را به سوی نوعی منفی‌پراکنی کلامی سوق داده و به تدریج فضایی آکنده از تعارض و تنش این سبکی را بازتولید می‌کند. در چنین بستری جهت‌گیری و شاکله‌ی روایت بر محور مسئله‌مندی چالش‌آفرین به لحاظ اخلاق رفتاری و رابطه‌ای استوار می‌گردد.

دیالوگ؛ "تو خدا خیلی بهت رحم کنه .. یه بی‌بته عین خودت گیرت میاد .. نه دختر دسته گل من .." - [یاغی، قسمت ۲ دقیقه ۹].

۵. نازل‌اندیشی در هویت‌نگری

مقوله "نازل‌اندیشی در هویت‌نگری" به شیوه‌ای از بیان ناسزاگون اشاره دارد که در آن، شخصیت‌ها، از حیث منزلت و اعتبار انسانی کم و ناچیز شمرده می‌شوند، طوری که ذات وجودی‌شان در پرتو زبانی سراسر استهزاء قرار می‌گیرد. در زیرمضمون «کلام‌آرایی کراهت‌محور» که در امتداد فرایند تضعیف و فرسایش هویتی عمل می‌کند، ظواهر کلامی و جملات به نحوی چینش و ادا می‌شوند که شماتت و عتاب را برجسته کرده و در نتیجه بیننده را نسبت به فرد مورد خطاب، با پیش‌داوری منفی همراه می‌سازند. زیرمضمون "سخت‌انگاری فردیت" گویای این حقیقت است که موجودیت افراد به صورت برنامه‌ریزی شده (نگاشتن فیلمنامه) به مرز انهدام

در ادامه، هر یک از محورها با توجه به مضامین دسته‌بندی شده در آن‌ها توضیح داده می‌شود.

الف. زمینه اجتماعی

محور اجتماعی در مسیری دو بُعدی (مستقیم و غیر مستقیم) شرایط را برای بازنمایی‌های ناسزاگویی فراهم می‌نماید. ابعاد فردی به کلام‌آرایی‌های منفی و رفتارهای هیجانی افراد اشاره دارد؛ به گونه‌ای که انتخاب و ارزش‌گذاری کلامی و شیوه واکنش زبانی آن‌ها به اتفاقات روزمره، تحت تأثیر منابع یادگیری شکل گرفته و بازتولید می‌شود. به عبارتی، واکنش افراد در موقعیت‌هایی مانند دفاع از خود یا شوخ‌طبعی، با چه واژه‌گان یا محتوای کلامی باید توأم باشند. در بُعد بین فردی، تعاملات و فرایندهای کلامی در بین اشخاص مختلف و به مناسبت‌های گوناگون در روابط اجتماعی برجسته می‌شود. در این شرایط بازنمایی ناسزاگویی می‌تواند نظام معنایی در روابط را تحت تأثیر قرار داده و منجر به ایجاد تنش و اختلال در روابط انسانی اجتماعی شود. اینجاست که هر فیلمی با متن و سکانس‌هایی که در معرض دید می‌گذارد، این توانایی را داشته تا در دل اجتماع در همه ابعاد نفوذ کرده و خزانه لغوی افراد را (مثبت یا منفی) تحت الشعاع قرار دهد.

ب. بستر خانواده

بستر خانواده از دو مسیر روابط و جایگاه خود، بیشترین تأثیرپذیری را از الگوهای ناسزاگویی‌های سریال‌ها دارد. مبنای هویتی خانواده، اصلی‌ترین جریان تخریب جایگاه خانواده‌ها بوده که توسط فیلم و سریال زیر سؤال رفته و به بازی گرفته می‌شود. ارزش خانواده شامل مؤلفه‌های یک نظام طبیعی به لحاظ انسانی و رفتاری است که با هدف قرار دادن موجودیت آن، در معرض نابودی و ضعف قرار می‌گیرد. در حقیقت این جایگاه، به واسطه‌ی هجوم به عملکرد و روابط موجود در خانواده متزلزل می‌شود. یعنی در بازنمایی فیلمیک، خانواده و روابط موجود در آن که پیش‌تر نماد عظوفت، همراهی و ارزش‌مندی بود، اهمیت سابق خود را از دست داده و سازوکار عاطفی و حمایتی که بخش جدایی‌ناپذیر از یک خانواده اصیل می‌باشد، به فراموشی سپرده می‌شود.

ج. بافت روایتی فرهنگی

بازنمایی روایی ناسزاگویی به لحاظ فرهنگی در دو مسیر کلامی و کنایی شروع و تداوم پیدا می‌کند. به عنوان مثال می‌توان تنها از طریق یک سکوت معنادار و یا حالت مشخصی از چهره و نگاه طرف مقابل، به معنای نهفته و نیت او پی برده که در نتیجه‌ی آن ممکن است قصد رفتار جدیدی در شخص مقابل به‌وجود آمده و یا تصمیم به تغییر یا تجدید نظر در رفتار گرفته شود. سریال و فیلم مملو از این تکیه کلام‌ها و اشارات کنایی کلامی بوده که بعدها در ادبیات روزمره مردم نفوذ کرده و به همان شیوه ماندگار شده و حتی برای استفاده نسل‌های بعد، بایگانی می‌شوند. در این محور، ناسزاگویی از سطح تعاملات فردی ارتباطی فراتر رفته و به لایه‌های فرهنگی نفوذ پیدا می‌کند؛ بدین معنا که ناسزاگویی از یک واکنش هیجانی به بخشی از فرهنگ و روایت کلامی عامه تبدیل می‌شود.

د. ماهیت ناسزا

این محور به شیوه و هدف ناسزاگویی می‌پردازد و تبیین می‌کند که ناسزا چگونه با چه انگیزه‌ای به کار می‌رود. در روابط انسانی، کلام می‌تواند انتقال‌دهنده شوخ‌طبعی، خشم، خشونت، تحقیر یا توهین باشد. به این معنا هر عمل یا اقدامی می‌تواند از طریق ایجاد تنش یا تخریب و حتی به واسطه طنز، بدون الزام به انجام فیزیکی آن عمل خاص به نمایش گذاشته شود. بنابراین استفاده از واژه‌گان و عبارات خاص کلامی می‌تواند منجر به ایجاد مفاهیم و تفاسیری در ذهن شخص مقابل شود. به این ترتیب، طیفی از شیوه‌های بازنمایی ناسزاگویی (طنز (ملایم)، تنش (متوسط) و تخریب (شدید)) به‌وجود آمده که هر کدام جلوه‌ای معناساز پیدا کرده و می‌توانند به گسست ارتباطی منجر شوند.

بحث

پژوهش حاضر نشان داد که زبان ناسزاگویی، فراتر از فضای فیلم، در زندگی فردی و اجتماعی بازتاب پیدا کرده و به بازتولید معنا و گفتمان ختم می‌شود. این معناسازی، در ابعاد اجتماعی و خانوادگی تا فرهنگی گسترش یافته و انواع جریان‌های روایتی و نشانه‌شناسی را در بر می‌گیرد. در ادامه این بخش، یافته‌های پژوهش در محورهای اصلی و موازی با سایر پژوهش‌ها، مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد.

محور اجتماعی پژوهش، متأثر از طیف متنوع الگوهای ناسزاگوینه‌ای است که به تقلید کلامی و شیوه‌های بیانی سریال‌های خانگی در تعاملات اجتماعی ختم شده و به تدریج، پذیرش و کاربرد کلام ناسزا را در روابط فردی و بین فردی تقویت می‌کند. در امتداد یافته‌های پژوهش، مطالعه فگرشتن و بدنارک (2022) که به بررسی تکیه کلام سریال‌های کمدی و درام آمریکایی در هفتاد سال اخیر پرداختند، نشان داد که گنجاندن کلمات رکیک در گفت‌وگوی بین شخصیت‌ها برای مخاطبان خوشایند بوده و کاربرد این عبارات تکرار شونده به مرور زمان بر خلق و خوی مخاطبان تأثیر گذاشته و مقاومت فردی روانشناختی آن‌ها را به لحاظ شخصیتی در برابر ناسزاگویی، دست‌خوش استحاله، عادت و پذیرش می‌کند. یعنی مواجه مداوم با زبان ناسزا در سریال‌ها به مرور زمان باعث کاهش حساسیت نسبت به ادای تقلیدی از آن نوع تکیه کلام‌ها در مراودات روزمره و بین فردی می‌شود. همچنین مطالعه تحلیلی فیلم کارآموز^۳ نشان داد که رکیک‌گویی در این فیلم نه صرفاً نشان‌دهنده یک نوع بی‌ادبی، بلکه منبعی پرکاربرد برای هدف قرار دادن احساسات و روابط بین فردی بود (Nur'aini et al., 2025). این نتیجه همسو با یافته‌های پژوهش بوده که ناسزاگویی در فیلم‌ها، پس از طی کردن مسیر فردی و شخصیتی، سرانجام به ابعاد بین فردی منتهی شده و آن‌را به لحاظ ارتباطی در اجتماع، دست‌خوش تغییر کارکردی می‌کند.

نتایج مطالعه دیگری نیز مؤید یافته‌های پژوهش در خصوص بُعد بین فردی بازنمایی ناسزاگویی در قاب اجتماعی بود (Kurniawati & Hardjanto, 2019). به این ترتیب که کلمات ممنوعه در سریال‌های تولید شده با هدف فحاشی و توهین ادا شده و در اصل، دلیلی برای تسکین احساسات و حمله به طرف مقابل هستند. یعنی چنین ساخت‌واژگانی در متون سینمایی با هدف انتقال معنا در چارچوب روابط صورت گرفته و تا آن‌جا پیش می‌رود که امکان رهیافتی ارتباطی به خود گرفته و در برگیرنده پیام‌های بین فردی بوده که نوعی محتواسازی (در ارتباطات دوگانه و چندگانه) را شامل می‌شود.

یکی دیگر از محورهای مهم پژوهش، بازنمایی ناسزاگویی در بستر خانواده بود که روابط بین اعضاء خانواده را با چالش مواجه کرده و جایگاه آن‌را زیر سؤال می‌برد. نتایج یک مطالعه (Cressman et al., 2009) در این خصوص نشان داد، نوجوانان و بزرگسالان از انواع ناسزاهای مشابه در فیلم‌ها استفاده می‌کنند و این یک نگرانی بزرگ در خصوص حریم خانواده برای سیاست‌گذاران و محققان حوزه رسانه ایجاد کرده است. خانواده‌ها نیز بیشتر نگران فیلم‌هایی هستند که در آن‌ها کودکان و نوجوانان، مخاطبان ویژه‌های رکیک و ناروا قرار می‌گیرند، زیرا تقلید بیشتری از الگوهای بیانی در روابط خانوادگی خواهند داشت. همچنین، نتایج یک تحقیق داخلی نیز گویای آن بود که رسانه و برنامه‌های مرتبط با آن (از جمله فیلم و سریال)، می‌تواند تأثیرگذاری زیادی روی بستر خانواده (به ویژه کودکان و نوجوانان) از جوانب گوناگون تربیتی و رفتاری داشته باشد (حسینی‌منش، ۱۳۹۸). فیلم‌ها و سریال‌های نمایش خانگی این قدرت را دارند که ادبیات گفتاری و کلامی نوجوانان از یک‌سو و رفتارهای خشونت‌آمیز و عاری از محبت اعضاء نسبت به یکدیگر را از سوی دیگر، تحت تسلط خود درآورده و در نتیجه روابط ساختاری خانواده را با تنش مواجه نمایند. در همین راستا و منطبق با یافته‌های پژوهش، نتایج یک مطالعه دیگر در ایران نشان داد که میزان مصرف رسانه‌ای با سلامت کلی خانواده، رابطه معکوسی داشته و این

ارتباط منفی در ابعاد ارتباطی و فرایندی سلامت خانواده نمود پیدا می‌کند، به این معنا که علاوه بر تحت‌الشعاع قرار دادن سلامت کارکردی خانواده، به روابط پایدار کلامی و غیر کلامی اعضا آن نیز آسیب می‌زند (تبریزی، ۱۳۹۸). هم‌چنین مرور نظام‌مند پژوهش‌های خانواده و رسانه در مطالعه‌ای دیگر نشان داد که تولیدات رسانه‌ای به تضعیف روابط، تغییر نقش‌های خانوادگی و دگرگونی سبک زندگی منجر می‌شود (حسینی و همکاران، ۱۴۰۳).

دیگر محور مهم پژوهش، بافت روایی فرهنگی بود که از طیف گسترده‌ای از مقولات ناسزاگوینانه مانند ایجاد روایت غیر اخلاقی تنش‌زا و نگاه کنایی تحقیرآمیز تأثیر می‌پذیرد. ورود واژه‌گان و الگوهای کلامی ناهنجار به هر فرهنگی، بسته به پذیرش یا رد آن‌ها، به بازتاب در روایت‌های فرهنگی می‌انجامد. یافته‌های پژوهش نشان داد الگوهای ناسزاگویی در سریال‌های نمایش خانگی با نفوذ در فرهنگ، روایت‌ها و گفتمان‌های فرهنگی را دست‌خوش تغییر و در مواردی دگرگون می‌کنند. همسو با یافته‌های پژوهش، نتایج یک مطالعه که با تحلیل دو فیلم اکشن و عاشقانه همراه بود، به دنبال پاسخ به این سؤال برآمد که "آیا ژانر، مضمون و لحن یک فیلم بر فراوانی، انواع و کارکردهای فرهنگ عبارتی در زبان انگلیسی، تأثیرگذار خواهد بود یا خیر؟". یافته‌ها نشان داد، کارکردها و عبارات انگلیسی به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر ژانر، لحن و هم‌چنین جنسیت شخصیت‌ها قرار می‌گیرند (Bapir, 2025). به عبارتی، جوهره و چیستی واژه‌گان یک فرهنگ می‌تواند از ماهیت اصلی خود در ادبیات معنایی فاصله گرفته و تحت تأثیر همزمانی و روایت داستانی با شخصیت‌ها (در نظر گرفتن نسبیت جنسیتی)، دچار نوسانات و تغییرات بنیادین به لحاظ ساختاری و کارکردی شود. مطالعه دیگری در کشور مصر، به تحلیل اصطلاحات عاشقانه خطابی به میزان ۲۲۷ اصطلاح کلامی از بیست‌و‌چهار زوج در شش سریال پرداخت و به این نتیجه رسید که عبارات کلامی در فیلم‌ها منتقل‌کننده معنا به گروه‌های خاص مخاطبان خود می‌باشند. به‌عنوان مثال خطابه‌های کلامی از نوع عاشقانه، سبک رفتاری متفاوتی را به لحاظ رفتاری به مردان تزریق می‌کند (Farag, 2026).

بدنارک (2020) در مطالعه‌ای با تحلیل کیفی کمی رکیک‌گویی در سریال‌های خانگی، علی‌رغم تأیید فراوانی بالا و تنوع واژه‌گان ناسزا، به نتایجی متفاوت با یافته‌های پژوهش دست یافت؛ نخست این که کلمات رکیک می‌تواند به یادگیری برخی قواعد زبانی و نگارشی و هم‌چنین آگاهی زبان‌آموزان برای پرهیز از به‌کارگیری این واژه‌گان کمک کند. دوم، در مصاحبه با متخصصان که استفاده از واژه‌های رکیک در فیلم‌ها را دارای کارکردهایی فراتر از جنبه منفی دانسته و آن را عاملی برای تقویت واقع‌گرایی دراماتیک معرفی کردند. هم‌چنین، مطالعه‌ای دیگر نتایجی مغایر با یافته‌های پژوهش حاضر گزارش کرد (Fägersten & Stapleton, 2023)؛ به این معنا که، اثرات کاربردی (منفی و مثبت) ناسزاگویی را باید وابسته به احتمال رنجش شنونده و بیننده در نظر گرفت، این نخستین عامل تعیین‌کننده در جهت بیان یک تفسیر عاری از پیش‌داوری خواهد بود. از طرف دیگر، بازدهی اصلی ناسزاگویی در فیلم، با اهداف خاصی مانند شخصیت‌پردازی، تعامل و عمق‌بخشی به روایت، همراه و آمیخته بوده و لذا تحلیل تک‌بعدی می‌تواند منجر به ابهام در قابلیت کارکردی آن شود.

یافته‌های پژوهش در محور نهایی، نشان داد که ماهیت ناسزاگویی می‌تواند در یک طیف، متشکل از طنز (ملایم)، تنش (متوسط) و تخریب (شدید)، بازنمایی شود. سریال‌های نمایش خانگی ایران در یک طیف ناسزاپراکنی از ملایم تا شدید قرار می‌گیرند. به طور تقریبی می‌توان گفت بیشتر سریال‌های پخش شده در سکوها نمایش خانگی، همه محورهای ناسزا را کما بیش در محدوده تصویری و کلامی خود گنجانده و صرفاً به یکی از انواع آن محدود نمانده‌اند. همسو با یافته‌های پژوهش، نتایج یک مطالعه تطبیقی نشان داد، سریال‌ها و برنامه‌های (درام و کمدی) با امتیاز پخش خانگی، در دهه‌های اخیر با نوسان زیادی در استفاده و کاربرد واژه‌گان رکیک و

شدید تا متوسط و ملایم توأم بوده‌اند که در نهایت به نظر می‌آید به سمت حفظ و گسترش واژه‌گان رکیک در طیف شدید تا متوسط، جهت‌گیری بیشتری پیدا کرده‌اند (Valdeón, 2026).

نتایج یک مطالعه دیگر در تأیید یافته‌های پژوهش، نشان داد آن دسته از فیلم‌های دارای طیف شدید در رکیک‌گویی (تخریب) که تعدد الفاظ ناسزا را نیز در دیالوگ‌ها گنجانده‌اند، با احتمال افزون‌تری در موقعیت‌های خاص موجب تکرار و بازنمایی ناسزاگویی در مخاطبان خود می‌شوند (Kakisina & Purwaningtyas, 2020). یعنی هر چه میزان ناسزاگویی در بین شخصیت‌ها شدت بیشتری داشته باشد، به همان اندازه، در موقعیت‌های مشابه در زندگی واقعی و در بین افراد اجتماع، بازتاب (الگویی منفی) بیشتری پیدا می‌کند. در سریال‌های نمایش خانگی ایران، این بازنمایی به دو شکل بازتاب پیدا می‌کند؛ نخست این که دیالوگ‌های حاوی ناسزاگویی تخریبی، در موقعیت‌های مشابه، احتمال تقلید اجتماعی بیشتری دارند. به عنوان مثال، ناسزاگویی در موقعیت فیلمیک (کافه)، احتمال تقلید را در همان موقعیت اجتماعی (کافه)، افزایش می‌دهد. در وجه دوم، ناسزاگویی به فراتر از یک موقعیت خاص تعمیم می‌یابد، به این معنا که هدف کاربردی ناسزا، جایگزین شرایط کارکردی آن شده و باعث تقلید و بازنمایی گسترده در موقعیت‌های متنوع می‌شود.

نتیجه‌گیری

تولیدات سینمایی و سریالی در جهان و ایران (خواسته یا ناخواسته)، سمت‌وسوی مشترکی به لحاظ محتوایی و مضمونی پیدا کرده که بخشی از جهانی‌شدن رسانه قلمداد خواهد شد. در این شرایط، همه کشورهای جهان، به موازات تولیدات متنوع رسانه‌ای (فیلم، سریال، شبکه‌های اجتماعی)، دغدغه حفظ سلامت رفتاری و رشد ادبیات کلامی مد نظر خودشان در ارتباطات اجتماعی را دارند. مدیریت چنین چالشی، از طریق کنترل تولیدات هنری به شکل ممیزی و نظارت ارشادی، کارساز نبوده و بیش‌از هر چیز نیازمند گفت‌وگو، مباحثه و اندیشیدن ترکیبی با نویسندگان و سینماگران از یک‌طرف، و شناخت سلیقه واقعی مخاطبان (بدون پیش‌فرض ذهنی)، از طرف دیگر می‌باشد. مطالعه حاضر نشان داد که ناسزاگویی نه‌تنها مغایرتی با جذب مخاطبان نداشته بلکه می‌تواند دلیلی برای پر بیننده‌تر شدن یک اثر باشد. بنابراین بخش مهم پیشگویی از گسترش ناسزا در ادبیات روایی و کلامی مردم، توجه به سریال‌های تولید شده در شبکه نمایش خانگی بوده که به شکل مداوم در معرض دید مخاطبان و خانواده‌ها قرار می‌گیرد. در مجموع نگاه چندگانه (نه تک‌بعدی) در تولید و تفسیر فیلم و سریال از منظر تصویری و هم محتوایی، شاید به شرایط بهتر استفاده از رسانه منتهی گردد.

پیشنهادهای

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده، فیلم و سریال‌های نمایش خانگی و سینمایی را بر اساس ژانر و گروه‌های سنی و اجتماعی خاص (دختران، کودکان و ..) مد نظر قرار داده تا نقش دیالوگ و تصویر در جذب آنان و روند تغییر سلیقه مخاطبان را به شکل قابل تفکیک‌تری تبیین شود.

ملاحظات اخلاقی

پژوهشگر متعهد و پایبند به صداقت علمی و رعایت چارچوب اخلاقی در طول فرایند تحقیق بود.

منابع مالی

پژوهش حاضر مستقل از هر گونه دریافت مالی انجام شد.

تعارض منافع

پژوهشگر متعهد به نداشتن تعارض منافع با هر فرد و سازمانی می‌باشد.

- Ahmed, S. K. (2024). The pillars of trustworthiness in qualitative research. *Journal of Medicine, Surgery, and Public Health*, 2, 100051. <https://doi.org/10.1016/j.glmedi.2024.100051>
- Akbarpour, S., & Zadehmohammadi, A. (2019). Pathology of the effect of the theme of home network series on the family; A thematic analysis based on a systemic perspective on the family. *Family Counseling and Psychotherapy*, 10(2), 295-328. (in persian)
- Bahonar, N., & Jafari, T. (2012). Television and its impact on religious, group and gender identity of Iranians (Study of the theory of planting in Iran). *Studies of Culture and Communication*, 13(17), 8-44. (in persian)
- Bandura, A. (2009). Social cognitive theory of mass communication. In J. Bryant & M. B. Oliver (Eds.), *Media effects: Advances in theory and research* (3rd ed., pp. 110-140). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203877111-12>
- Bapir, M. H. A. (2025). The linguistic study of swearing in selected american movies. *Raparin Journal of Humanities (RJH)*, 12(2), 722-746.
- Bazobandi, H., Mohammadi, E., & Hassanshahiraviz, M. (2024). An integrated analysis of the representation of violence in home network series using the approaches of Barthes (1968), Fisk (2005) and Fairclough (2003). *Linguistics of Iranian Dialects*, 9(2), 67-82. (in persian)
- Bednarek, M. (2019). 'Don't say crap. Don't use swear words.'-Negotiating the use of swear/taboo words in the narrative mass media. *Discourse, Context & Media*, 29, 100293. <https://doi.org/10.1016/j.dcm.2019.02.002>
- Bednarek, M. (2020). Swear/taboo words in US TV series: Combining corpus linguistics with selected insights from screenwriters and learners. In V. Werner & F. Tegge (Eds.), *Pop culture in language education: Theory, research, practice* (pp. 50-70). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780367808334-4>
- Beers Fägersten, K., Stapleton, K., & Hjort, M. (2024). Censorship and taboo maintenance in L1 and LX swearing. *Languages*, 9(4), 128. <https://doi.org/10.3390/languages9040128>
- Bhatt, V., Gupta, D. B., Singh, M., & Sajeve, M. J. (2024). An analysis on the acceptability and the usage of profane language among university students in India. *Journal of Content, Community & Communication*, 21, 187-200. <https://doi.org/10.31620/JCCC.12.24/14>
- Bioglio, L., & Pensa, R. G. (2018). Identification of key films and personalities in the history of cinema from a western perspective. *Applied Network Science*, 3(1), 50. <https://doi.org/10.1007/s41109-018-0105-0>
- Blumler, J.G., & Katz, E. (Eds.). (1974). *The uses of mass communications: Current perspectives on gratifications research* (Vol. 3). Sage.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1191/1478088706qp063oa>
- Coyne, S. M., Stockdale, L. A., Nelson, D. A., & Fraser, A. (2011). Profanity in media associated with attitudes and behavior regarding profanity use and aggression. *Pediatrics*, 128(5), 867-872. <https://doi.org/10.1542/peds.2011-1062>
- Cressman, D. L., Callister, M., Robinson, T., & Near, C. (2009). Swearing in the cinema: An analysis of profanity in US teen-oriented movies, 1980-2006. *Journal of Children and Media*, 3(2), 117-135. <https://doi.org/10.1080/17482790902772257>
- Fägersten, K. B., & Bednarek, M. (2022). The evolution of swearing in television catchphrases. *Language and Literature*, 31(2), 196-226. <https://doi.org/10.1177/09639470221090371>
- Fägersten, K. B., & Stapleton, K. (2023). Everybody swears on only murders in the building: The interpersonal functions of scripted television swearing. *Journal of Pragmatics*, 216, 93-105. <https://doi.org/10.1016/j.pragma.2023.08.006>

- Farag, H. E. (2026). Stylistic love terms of address among couples in Egyptian TV series: Beyond simple expressions of love. *Toronto Working Papers in Linguistics*, 47(1). <https://doi.org/10.33137/twpl.v47i1.45024>
- Fuchs, C. (2023). A marxist-humanist perspective on Stuart Hall's communication theory. *Theory and Society*, 52(6), 995-1029. <https://doi.org/10.1007/s11186-023-09524-5>
- Ge, Y. (2026). Decoding the Nordic fantasy: A study of cultural translation mechanisms on RedNote. *International Communication of Chinese Culture*, 13(1), 91-112. <https://doi.org/10.1007/s40636-025-00350-1>
- Gerbner, G., & Gross, L. (1976). Living with television: The violence profile. *Journal of Communication*, 26(2), 171-199. <https://doi.org/10.1111/j.14602466.1976.tb01397.x>
- Gerbner, G., Gross, L., Jackson-Beeck, M., Jeffries-Fox, S., & Signorielli, N. (1978). Cultural indicators: Violence profile No. 9. *Journal of Communication*, 28(3), 176-207. <https://doi.org/10.1111/j.1460-2466.1978.tb01646.x>
- Gerbner, G., Gross, L., Signorielli, N., & Morgan, M. (1980). Television violence, victimization, and power. *American Behavioral Scientist*, 23(5), 705-716. <https://doi.org/10.1177/000276428002300506>
- Graneheim, U. H., & Lundman, B. (2004). Qualitative content analysis in nursing research: Concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Nurse Education Today*, 24(2), 105-112. <https://doi.org/10.1016/j.nedt.2003.10.001>
- Haider, A. S., & Shuhaiber, R. (2024). Netflix English subtitling of idioms in Egyptian movies: Challenges and strategies. *Humanities and Social Sciences Communications*, 11(1), 1-13. <https://doi.org/10.1057/s41599-024-03327-4>
- Hall, S. (2019). Encoding—decoding (1980). In C. Greer (Ed.), *Crime and media: A reader* (pp. 44-55). Routledge. https://doi.org/10.4324/9780367809195_6
- Hosseini, Seyyed Javad., Bashir, H., & Oroji, M. (2024). A systematic review of family and media research (with emphasis on virtual social networks, cinema and television). *Women in Culture and Art*, 16 (4), 505-524. (in Persian)
- Hosseinimanesh, M. (2019). Media and family strengthening. *Ormazd Research Journal*, 47 (2), 101-113. (in Persian)
- Kakisina, P. A., & Purwaningtyas, I. (2020). An analysis of swear words in “Once Upon a Time... in Hollywood” film. *OKARA: Jurnal Bahasa dan Sastra*, 14(2), 224-238. <https://doi.org/10.19105/ojbs.v14i2.3394>
- Kurniawati, T. R. A., & Hardjanto, T. D. (2019). Taboo words in the TV series *stranger things*. *Lexicon*, 6(1), 87-97. <https://doi.org/10.22146/lexicon.v6i1.50312>
- Liu, C., Shmilovici, A., & Last, M. (2023, October). MND: A new dataset and benchmark of movie scenes classified by their narrative function. In *European Conference on Computer Vision* (pp. 610-626). Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-25069-9_39
- Mahmoudi, B., Malekpayin, F. (2024). Study of how and why Iranian users use domestic home entertainment platforms. *Quarterly Journal of Society, Culture and Media*, 13 (51), 69-98. (in Persian)
- Maiello, A. (2023). TV series: A form of adaptation to the contemporary media condition. *Rivista di Estetica*, (83), 74-88. <https://doi.org/10.4000/estetica.9240>
- Meltzer, C. (2026). Cultivation theory: *Living with television: The violence profile* by George Gerbner and Larry Gross (1976). In R. Spiller, C. Rudeloff, & T. Döbler (Eds.), *Key works: Theories in communication studies* (pp. 193-204). Palgrave Macmillan. https://doi.org/10.1007/978-3-658-50422-9_14
- Nur'aini, N., Romadlon, F. N., & Rasheed, A. (2025). Swearing as a communicative resource in film dialogue: A pragmatic analysis of the intern (2015). *New Language Dimensions*, 6(1), 105-116. <https://doi.org/10.26740/nld.v6n1.p105-116>
- Nwagbara, U. U. (2025). Social media pressures on cultural authenticity in traditional Igbo wedding. *Discover Global Society*, 3(1), 17. <https://doi.org/10.1007/s44282-025-00158-9>

- Parmehr Yabandeh, AH., Abeddoost, H., & Kazempour, Z. (2022). Typographical analysis of the titles of contemporary Iranian domestic drama series with emphasis on referential and morphemic signs (case examples: monster, Dracula, frog, rhinoceros, outlaw, wound-making). *Quarterly Journal of Audiovisual Media*, 16 (4), 5-28. (in persian)
- Patton, M. Q. (2015). *Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and practice* (4th ed.). SAGE Publications.
- Rubin, D., Mohr, I., & Kumar, V. (2022). Beyond the box office: A conceptual framework for the drivers of audience engagement. *Journal of Business Research*, 151, 473–488. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2022.07.021>
- Ruddock, A. (2024). Cultivation theory and the question of media violence. In *History, politics and the evolution of cultivation theory* (pp. 65–90). Palgrave Macmillan. https://doi.org/10.1007/978-3-031-75911-6_4
- Sadeghi Dehcheshmei, S., & Mortazavi, A. (2015). Media, consumption and media representation of consumption pattern, *International Conference on Humanities, Psychology and Social Sciences*. Tehran, Iran. (in persian) <https://search.isc.ac/dl/search/defaultta.aspx?DTC=36&DC=41034>
- Sahari, Y. (2024). Subtitling the f-word into Arabic in Hollywood films: A corpus-based study. *Humanities and Social Sciences Communications*, 11(1), 1-10. <https://doi.org/10.1057/s41599-024-03190-3>
- Schreier, M. (2012). *Qualitative content analysis in practice*. SAGE Publications. <https://doi.org/10.4135/9781529682571>
- Shrestha, S., Heo, Y., Barron, A. T. J., & Park, M. (2026). Scene-level movie data from Amazon X-Ray in the US market combined with IMDb. *Scientific Data*, 13, 275. <https://doi.org/10.1038/s41597-026-06602-y>
- Tabrizi, Mansour. (2019). The relationship between the mediaization of everyday life and family health. *New Media Studies*, 18 (5), 167-202. (in persian)
- Tavassoli, A., Abedi, M., Sadr, Z., Tavassoli, A., & Masjedi, M. (2024). Content analysis of smoking in home-made TV series. *Quarterly Journal of Audiovisual Media*, 18(4), 53-78. (in persian)
- Valdeón, R. A. (2026). Swearing across times: A study of the Spanish dubbing of swearwords in the 1990s and the 2020s. *Journal of Pragmatics*, 252, 46-59. <https://doi.org/10.1016/j.pragma.2025.12.002>
- Waheed, J., & Aamir, A. A. (2024). Impact of streaming services on traditional television viewership and advertising avenue. *International Journal of Social Science Archives (IJSSA)*, 7(3), 630-650. [View of Impact of Streaming Services on Traditional Television Viewership and Advertising Avenue](#)
- Wang, X. (2025). Motivations, attitudes, and uses of WeChat groups in China during the COVID-19 pandemic in 2022: A mixed-methods approach. *SN Social Sciences*, 5(11), 197. <https://doi.org/10.1007/s43545-025-01237-z>

1. Profanities (Taboo)

2. swear words

3. Cultivation Theory

4. Uses and gratifications theory

5. Blumler, J. G., & Katz, E

6. Hall, S

7. Pilot study

8. Thematic Analysis

9. Credibility

1. Transferability 0

1. Dependability 1

1. Confirmability 2

1. The Intern 3